

میلان کوندرا و هنر رمان

پیرلوپاپ

ترجمه ناهید شاهوردیانی

میلان کوندرا ما را به کارگاه داستانی‌اش دعوت می‌کند: حدود ۲۰ سال پس از انتشار هنر رمان وی با پرده، دوباره تجربه مضاعف خوانندگی و نویسندگی‌اش را ترسیم می‌کند.

- پرده ● Le Rideau
- نوشته میلان کوندرا ● Milan Kundera
- انتشارات گالیمار ● Éd. Gallimard
- ۱۹۸ صفحه — ۱۶/۹۰ یورو ● 198 p./ 16/90 £.

«رمان‌نویسی که از هنر رمان صحبت می‌کند. استادی که از کرسی استادیش سخنرانی می‌کند نیست. او را بیشتر مانند نقاشی تصور کنید که شما را در کارگاهش پذیرا می‌شود، کارگاهی که در آن از همه طرف تابلوهای تکیه داده شده به دیوارش شما را نگاه می‌کنند.» با پرده میلان کوندرا ما را دعوت به کشف کارگاه داستانی‌اش می‌نماید.

او در این اثر بطور نامحسوس اندکی از خود و کتابهایش، ولی بیشتر از آن، از دیگران و از زمانهایشان که تحسین می‌کند یا دوست دارد (اغلب هر دو مورد صادق است) صحبت می‌کند. افراد و داستانهایی که در «خفا در دل آثارش حضور دارند» این تابلوها که یکجا در نور کارگاه دیده می‌شوند در حالیکه از خود سخن می‌گویند، با یکدیگر درگیر گفتگو می‌شوند و با صدای شخص میلان کوندرا در می‌آمیزند، و شکلی روایت‌گونه به خود می‌گیرند: تعبیر شخصی او از تاریخ رمان.

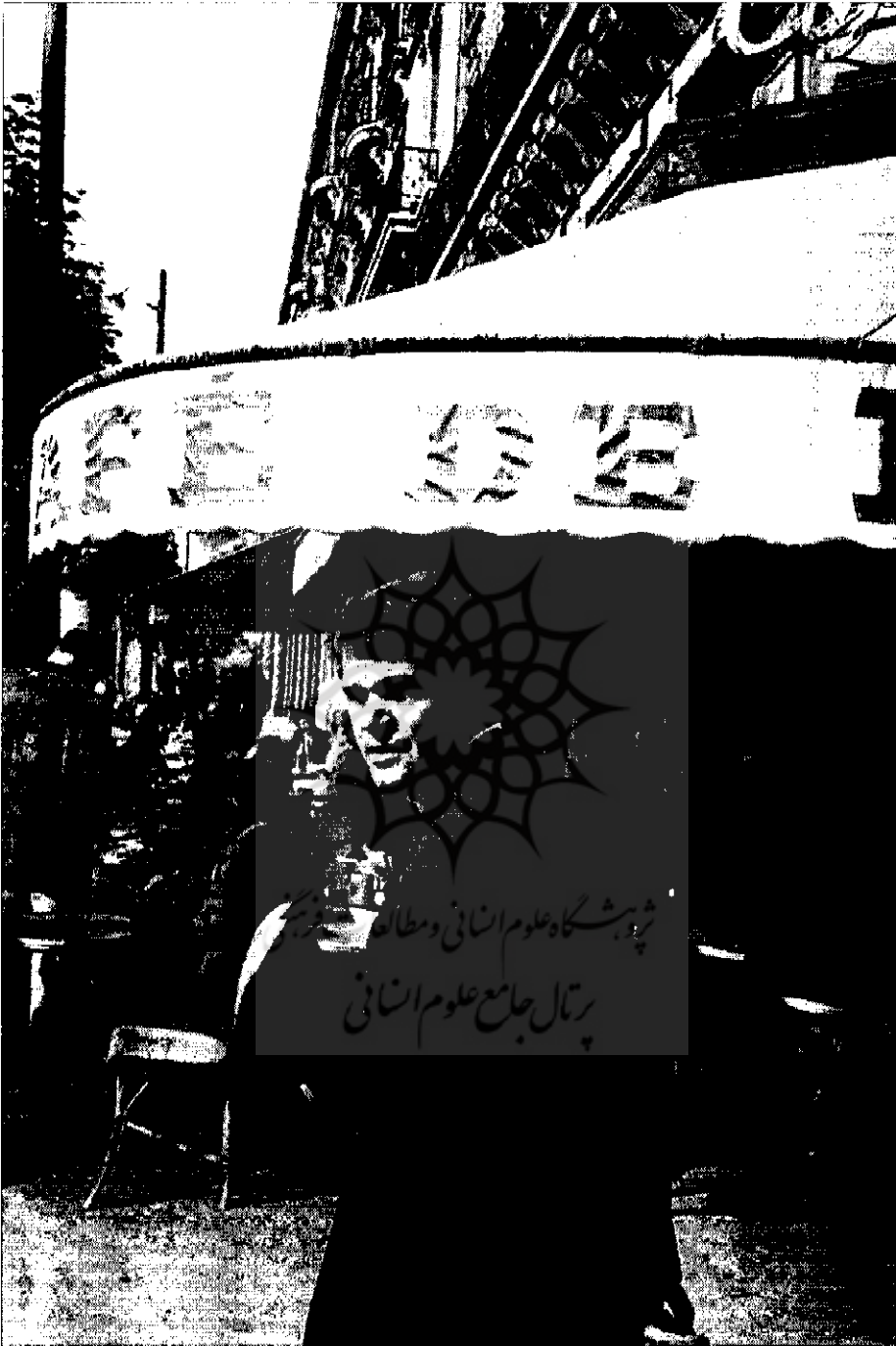
در سال ۱۹۸۶، حدود ۲۰ سال پیش، کوندرا در یک رساله هفت قسمتی منتهایی را گردآوری کرده بود که در آنها برداشت خودش به عنوان یک رمان‌نویس از هنر رمان را پرورانده است. امروز وی تاریخ رمان را با روش خودش مورد بررسی قرار می‌دهد. روشی که نه روش تاریخ‌نگاران، نه مختص تاریخ ادبیات دانشگاهی، نه تاریخ تدوین نظری و نه تاریخ زیباشناختی فلسفی است. او در رمان، تجربه مضاعف خوانندگی و نویسندگی را در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد. با

خواننده از شیوه‌ای سخن می‌گوید که رمانها از زمان رابله و بطور واضح‌تر از زمان سروانتس پرده‌جهل و تصورات نادرست که بر واقعیت، خاصه واقعیت منحصراً انسانی، کشیده شده است را می‌درد: «چیزی که تنها رمان می‌تواند بیان کند.» برای نویسنده، کتابها داستانی واحد را می‌مانند که رمانهای او نیز با حفظ ویژگی خود توانائی یافتن راه به آن را دارند.

تاریخ رمان یک مجموعه است که هر رمان به آن رجوع می‌کند (از آن سرچشمه گرفته و از آن بهره‌برداری نیز می‌کند). آنگونه که جمهوری سلطنت راکنار زده و کهنه می‌انگارد، یک اثر کهنگی یک اثر دیگر را سبب نمی‌شود. حتی اگر نسل‌های نوی رمان‌نویسان وارد حیطه نویسنده‌گی شوند با جاه‌طلبی و این توهم که نوشته‌های پدرانشان را کهنه و خاک گرفته تلقی کنند، به این خاطر نیست که اندوخته‌ها را نفی کنند بلکه برای این است که بر معماهای تازه و قلمروهایی که هنوز بخوبی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند تأکید گذارند. هر رمان نویسی مایه هنری خویش را از کل تاریخ هنر بیرون می‌کشد.

مورخین و نظریه‌پردازان ادبیات درباره کارگاه میلان کوندرا خواهند گفت که بهم ریخته است و نظم و ترتیب ندارد. اگر پیوستگی زمانی در ابتدا تثبیت و نمایان شده بدین منظور است که بعداً زیر سؤال برده شود. سروانتس، موزیل، دیدرو، رابله، پروست، بالزاک، گمبروویچ، سترن، بروخ، داستایفسکی، همگی از ورای قرن‌ها و زبانها، میراث خوار این گنجینه تاریخی رمان هستند. کوندرا با علم بر اهمیت کانونهای ادبی درون مرزی و با در نظر گرفتن «ناسابری جبران‌ناپذیر» موجود بین زبانهای «اصلی» و زبانهای «باگستره کمتر»، «محیط کوچک» و «محیط بزرگ» را در مقابل هم قرار می‌دهد - مگر نه اینکه اگر کافکا به جای زبان آلمانی به زبان چک می‌نوشت کسی او را نمی‌شناخت؟ «محیط کوچک»، همان است که اثر هنری را در دل تاریخ ملی جای می‌دهد (بینوایان بزرگترین رمان فرانسوی است) در حالیکه «محیط بزرگ» هنر فرا ملیتی رمان را شامل می‌شود (که در آن بینوایان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیست). این «محیط بزرگ» همانی است که گوته آنرا Welt - Literatus می‌نامید که تنها چیزی است که به رمان امکان گریز از گرایش به خرده فرهنگها را می‌دهد. هر چند کوندرا می‌گوید که «اروپا موفق نشده است به ادبیاتش مثل یک مجموعه واحد تاریخی بباندد» و مرتب تکرار می‌کند که: «جبران‌ناپذیری این شکست روشنفکرانه نیز در اینجا است»، او صفحات زیبایی نیز دارد تا «پل نقره‌ای» بر پا شده میان رمان اروپای مرکزی در سالهای ۱۹۳۰ و جنبش «بوم» (Boom) «انفجار رمان‌نویسی» آمریکای لاتین سالهای ۱۹۷۰ را مطرح بسازد.

اشخاص مقید اظهار تأسف خواهند کرد که کوندرا علاوه بر زیر پا نهادن حد و حدود زمانی و جغرافیایی، فهرست شخصی مضمونهاش را نیز دچار آشفتنگی می‌سازد. این بی‌نظمی تحت



تأثیر خلق و خوی بازیگوش و حیرت‌آور و اُفت و خیزهای باب طبع نویسنده است. مطلب اصلی که همان تاریخ رمان است، گوئی با روایت‌های کوتاه ثانوی و فرعی که گهگاه بسیار گذرا و با ماهیتی متفاوتند، قطع و بدین ترتیب رنگارنگ و آراسته گشته است: روایت‌هایی چون ملاحظاتی در مورد کیچ (Kitsch)، رساله کوچک در مورد لطیفه، تعمق در مورد جوانی، درس تاریخ (چنان روشنگر و فوق‌العاده که باید در برنامه درسی علوم سیاسی گنجانده شود) راجع به اروپای مرکزی، رساله در باب مفهوم وجودی خنده، مطالعه سوفوکل، نوشته‌های گوناگون در باب فراموشی، تلاش در تعریف حماقت، و خیلی چیزهای دیگر هم که به نظر می‌رسد به اختیار خود به درون صفحات لغزیده‌اند، و از آزادی عملی که نویسنده سخاوتمندانه به آنها می‌دهد بهره‌مند شده‌اند.

آزادی همچنین لحن غالب را در کتاب دارد. البته نه آزادی به معنای آزادی سبک زیرا سبک کوندر را تماماً مبتنی بر اختصار است که خود پیرو یک اصل اخلاقی است و آن نیز به نوبه خود وابسته به یک دیدگاه زیبایی‌شناختی می‌باشد. مدام بحث عرضه صحیح‌ترین و ساده‌ترین، کامل‌ترین و بی‌آرایه‌ترین طرز بیان مطرح است. از اینرو کوندر در هر چه بیشتر صیقل دادن جملاتش می‌کوشد. طنز او فضای آثارش را به سان نوری شامگاهی در بر می‌گیرد. او به نوعی، نیروی یقین، حضور آشنای شک و تردید و لذت‌های منطقی مجادله‌ای را در هم می‌آمیزد و در هر پاراگراف می‌گنجانند. او می‌توانست به نشان دادن اینکه به چه دلیل و چرا چیزی که می‌گوید درست و از نظر انسانی عمیق است اکتفا کند، با وجود این لذت فریفتن را نیز بدان افزوده است - چیزی که نزد او از یک تمرین روشنفکرانه تواضع جدا نیست.

پرده که نتیجه موفقیت‌آمیز انسجام فکری و تمرکز ذهن نویسنده است، تاریخی از رمان را عرضه می‌نماید که هم پیوسته و مداوم است و هم از تعداد زیادی تاریخ متفاوت که تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند تشکیل شده است. البته واضح است برای جلوگیری از، از هم پاشیدگی مضمونی، بی‌نظمی ظاهری کتاب مستلزم داشتن یک ترکیب منسجم اجزاء است، هماهنگی با فراز و نشیب‌ها، مضمون‌های مطرح شده، مکرز، متغیر و متنوع و با رعایت ریتم و کارگاه نهایتاً فضائی می‌شود که با سلیقه و دقت زیاد مرتب شده است تا به تأثیر شناختی مد نظر برسد و آن یک اثر هنری است.

چه خوب بود کوندرای نویسنده بعد از این دو اثر «اعتراف گونه» که یکی درباره نگارش است و دیگری درباره تاریخ رمان، حال به تجربه خاص خویش از ادبیات روی می‌آورد. این بار برای نگاهش «هنر رساله» که نگاه دیگری خواهد بود بر پرده یاد شده.